

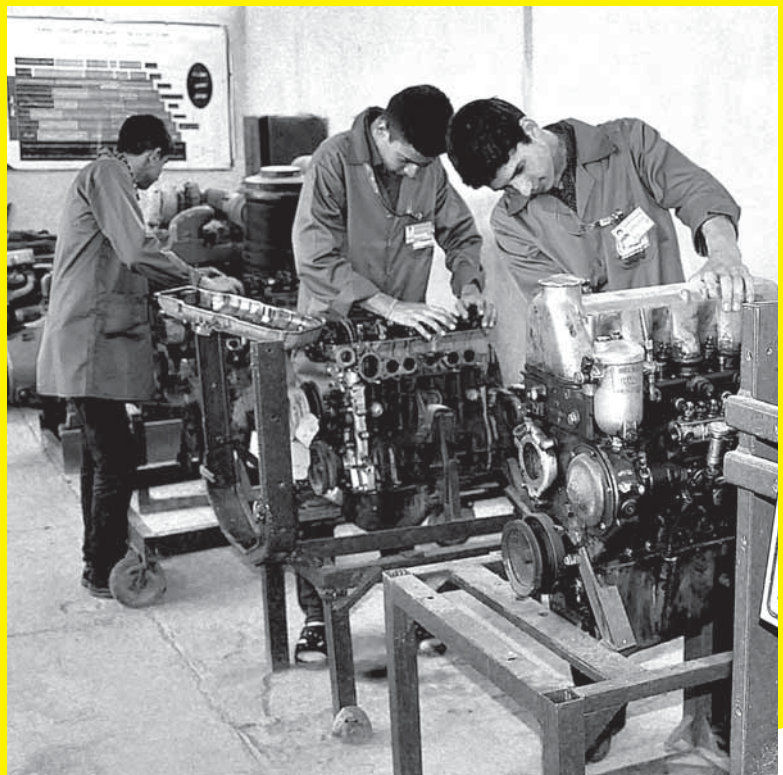
بررسی جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در اجرای عناصر برنامه‌درسی از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان دیواندره

چکیده

یکی از مهم‌ترین عناصر هر نظام آموزشی برنامه‌درسی است که نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت‌های نظام آموزشی از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر، با هدف بررسی و مقایسه جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در اجرای عناصر برنامه‌درسی از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شهرستان دیواندره صورت گرفته است.

روش تحقیق زمینه‌یابی (پیمایشی) بوده است. جامعه آماری پژوهش را تمامی هنرآموزان (۹۲ نفر) و هنرجویان (۷۰۳ نفر) هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش (جمعاً ۷۹۵) تشکیل داده‌اند. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان، ۷۳ هنرآموز و ۲۴۸ هنرجو برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است، تا همه اعضای جامعه آماری شانس مساوی برای حضور داشته باشند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته ۳۴ سؤالی برای هنرآموزان و ۳۱ سؤالی برای هنرجویان استفاده شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها با نظرخواهی از متخصصان و تنی چند از استادان مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر آن، «هم‌سانی درونی گویه‌ها» توسط ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه هنرآموزان به میزان ۰.۸۶ درصد و هنرجویان ۰.۷۹ درصد محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از شاخص میانگین، واریانس و آزمون تی استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که در اهداف، محتوا و مواد آموزشی برنامه‌های درسی به مؤلفه‌های کارآفرینی در حد کمی توجه شده است. در عنصر روش تدریس برنامه‌درسی به مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی توجه کافی شده، اما در ارزشیابی برنامه‌درسی جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در حد متوسط دیده شده است. نتیجه کلی بیانگر آن است که جایگاه مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی در برنامه‌درسی مطلوب نیست.

کارآفرینی در برنامه‌درسی ملی



مقدمه

کارآفرین واژه‌ای است که منشأ فرانسوی دارد و در سده هجدهم در «فرهنگ لغت ساوری» آمده است، کارآفرین به کسی گفته می‌شود که متعهد به انجام پروژه، تولیدکننده و فردی ماهر است. نمونه اولیه این کلمه (entrepreneur) در اوایل سده چهاردهم مشاهده شده که به فردی اشاره داشت که ریسک کسب و کار جدید را می‌پذیرد. «فرهنگ لغت آکسفورد»^۲ کارآفرین را شخصی می‌داند که کسب و کاری را ایجاد می‌کند [مقیم، وکیلی و اکبری، ۱۳۹۲]. کارآفرینی از نگاه کلاسیک، به‌عنوان پدیده‌ای در سطوح فردی مفهوم‌سازی شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، ولی از نگاه نئوکلاسیک به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی که در لوای تعاملات و مناسبات اجتماعی شکل می‌گیرد، مطرح شده است [Lounsbury, 1998].

کارآفرینی در نظام آموزشی فرایند منظم و مستمری است که از یک‌سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از همه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی می‌انجامد، و از سوی دیگر موجب خلق و ایجاد فرصت‌های نوین یاددهی و یادگیری می‌شود. این فرایند با تکیه بر دو محور «آموزش فراگیر کارآفرین» و «فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن» محقق می‌شود [مرادی، ۱۳۸۳]. از دید اکثر متخصصان و صاحب‌نظران اقتصادی مدیریتی، کارآفرینان موتور اصلی رشد اقتصادی جامعه‌اند [Harkema & Schout, 2008]. آن‌ها می‌توانند اقتصاد جامعه را در شرایط رقابتی نگه‌دارند و توسعه بخشند [Raposo & Dopaco, 2011]. با توجه به اینکه کارآفرینی را داروی معجزه‌گر برای حل مشکلات اقتصادی جامعه می‌دانند [Yildirim & Bige, 2012] و در اثرات مثبت آن تردیدی وجود ندارد، می‌توان گفت که مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، به‌عنوان محل تجمع تفکر و اندیشه‌های یک جامعه، دارای زمینه‌های مناسب برای ایجاد فکر و اندیشه جدید هستند و می‌توانند مکان مناسبی برای پرورش خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی باشند. ما برای اینکه بتوانیم در عرصه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در صحنه رقابت بمانیم، باید به دانش‌آموزان و دانشجویان مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی را در قالب برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی و پرورشی آموزش دهیم [حسینی و عزیز، ۱۳۸۶] و زمینه‌های بروز و توانایی‌های

کلیدواژه‌ها:

کارآفرینی، عناصر برنامه درسی، هنرآموزان و هنرجویان، هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش

کارآفرینی بالقوه و ویژگی‌های فردی کارآفرینی را در آن‌ها پرورش دهیم؛ ویژگی‌هایی نظیر: **توفیق‌طلبی**^۳ تمایل به انجام کاری در حد استانداردهای عالی در موقعیت رقابتی [سلجوقی، ۱۳۹۱].

تحمل ابهام^۴: پذیرفتن عدم قطعیت به‌عنوان بخشی از زندگی [شاه‌حسینی، ۱۳۹۰].

ریسک‌پذیری^۵: احتمال هر نتیجه‌ای به غیر از آنچه که انتظارش را داریم [صمدآقایی، ۱۳۸۲].

استقلال‌طلبی^۶: نیاز به استقلال عاملی است که سبب می‌شود تا کارآفرین به اهداف و رؤیاهای خود دست یابد [مدرسی و مدرسی سریزدی، ۱۳۹۲].

گرایش به خلاقیت^۷: توانایی ترکیب اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصربه‌فرد برای ایجاد ارتباط نامعمول میان اندیشه‌ها [Robins, 1994].

منبع کنترل درونی^۸: افراد کارآفرین به خود ایمان دارند و موفقیت و یا شکست را به سرنوشت و اقبال نسبت نمی‌دهند، بلکه شکست و پیشرفت را تحت کنترل خود می‌دانند [شاه‌حسینی و کاوسی، ۱۳۸۸].

این امر مهم به آسانی محقق نخواهد شد، مگر با برنامه‌ریزی‌های اصولی و صحیح که یکی از آن‌ها به اجزای عناصر برنامه درسی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌هاست. وظیفه مسئولان و دولت‌مردان و برنامه‌ریزان در سطح کلان در این حوزه بسیار برجسته و نمایان است.

نقش آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش

شاخه تحصیلی کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای در راستای لزوم ارتباط و هماهنگی آموزش‌وپرورش و نیازهای بازار کار تأسیس شده است. در واقع، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام جدید آموزش متوسطه، شاخه کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای است که با هدف اشاعه مهارت‌آموزی تشکیل شده و جهت‌گیری عمده آن آماده کردن بخش قابل توجهی از جوانان، برای اشتغال مفید است که بعد از ارائه آموزش‌های مهارتی برای ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار و اشتغال مولد متناسب با مقتضیات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی، روحیه کارآفرینی را در آنان پرورش دهد [عارفی، فتحی و اجارگاه و نساج، ۱۳۸۹]. آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای زیربنای توسعه و آموزش پایدار در همه کشورهای است و یکی از ابزارهای

کارآفرینی که احتمال شکستشان بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند، اما تحصیلات کافی ندارند

کلیدی برای شکل‌گیری «جامعه یادگیرنده»^۹ و «جامعه دانش‌بنیان»^{۱۰} محسوب می‌شود. این گونه آموزش‌ها که با آموزش‌های مهارتی در هم تنیده‌اند، امکان شناخت و کاربرد مهارت‌ها را برای همه فراگیرندگان مهیا می‌سازند تا با اتخاذ تصمیمات آگاهانه، در آینده از زندگی سالم‌تری برخوردار شوند و در ضمن بتوانند از استانداردهای معیشتی بهتر و در خور توجه نیز استفاده کنند [جاریانی، ۱۳۹۲]. با این توصیف، نقش آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان‌های متولی پرورش نیروی توانمند و کارآمد در زمینه کارآفرینی بسیار برجسته و حیاتی است. در واقع نظام آموزشی می‌تواند و باید زمینه‌سازی رشد و توسعه کارآفرینی را در دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان مراکز فنی‌و حرفه‌ای فراهم آورد.

یکی از موضوعات مورد توجه محققان این بوده است که آیا کارآفرینان، کارآفرین متولد می‌شوند یا اینکه از طریق آموزش، کارآفرین می‌شوند. در گذشته، افسانه‌ای شایع بود که طبق آن، کارآفرینان ویژگی‌هایی ذاتی دارند که عبارت‌اند از: ابتکار، روحیه تهاجمی، تحرک، تمایل به استفاده از ریسک، توان تحلیل، و مهارت در روابط انسانی. بنابراین، فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند. اما امروزه واقعیتی جدید جایگزین این افسانه قدیمی شده و به کارآفرینی به‌عنوان رشته‌ای علمی توجه شده است. دولت از طریق وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و نظام آموزشی مؤسسات وابسته به خود می‌تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند [احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲].

کلانددت^{۱۱} (۲۰۰۶) می‌نویسد: آموزش کارآفرینی بدان معنی است که ما سه قضیه یا مفروضه را به‌صورت بدیهی قبول کرده‌ایم:

مفروضه اول: کارآفرینی می‌تواند یاد گرفته شود و منحصر به یک توانایی ذاتی نیست.

مفروضه دوم: کارآفرینی می‌تواند تدریس شود. به عبارت دیگر یادگیری تنها از طریق تجربه در زمینه و شرایط کارآفرینانه به‌دست نمی‌آید، بلکه از طریق تلاش‌های آموزشی نیز می‌تواند صورت پذیرد.

مفروضه سوم: آموزش کارآفرینی می‌تواند از طریق دوره‌هایی که توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی برگزار می‌شود، انجام پذیرد. [به نقل از:

عزیزی و طاهری، ۱۳۹۲].

در همین رابطه وسپر^{۱۲} با انجام مطالعه‌ای دریافت: کارآفرینانی که احتمال شکستشان بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند، اما تحصیلات کافی ندارند. [شاه‌حسینی و کاوسی، ۱۳۸۸].

هیل^۵ در پژوهش میدانی خود در ۱۵ دانشگاه که مشغول آموزش کارآفرینی بودند، به این نتیجه رسید که دوره‌های آموزشی باعث افزایش آگاهی و درک فرایند آغاز به کار و مدیریت کسب و کارهای جدید شده است [الوانی و همکاران، ۱۳۹۰]. با توجه به اینکه اصلی‌ترین پیش‌نیاز توسعه و رشد افراد، آموزش و پرورش است، یکی از وظایف اصلی نظام آموزشی این است که افراد جوان جامعه را از توانمندی‌ها و استعدادها بالقوه‌ای که در آینده خواهند داشت، آگاه سازد و مهارت‌های لازم را به آنان آموزش دهد، تا از این طریق در راستای توسعه کارآفرینی گام بردارند. اگر چنین امری محقق شود، افرادی که قصد دارند در مسیرهای کارآفرینانه گام بردارند، به تعامل و شریک‌شدن دانش و تجارب ارزنده خود با دیگران تشویق می‌شوند [شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰]. با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که آموزش کارآفرینی ضرورتی اساسی برای رشد و توسعه به‌شمار می‌آید و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت توجه ویژه‌ای به آن مبذول شود.

تأثیر برنامه درسی

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین عناصر نظام آموزشی برنامه درسی است که نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت‌های نظام آموزشی از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کند. در واقع برنامه‌های درسی نقش کلیدی در توفیق یا شکست مراکز آموزشی بر عهده دارند و به همین دلیل ابزارهای نیرومندی هستند که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارت‌ها، فلسفه و هدف‌های تربیتی نظام آموزشی حاکم را هم بیان می‌کنند. [کوثری و نوروززاده، ۱۳۸۸]. معمولاً برنامه‌های درسی از عناصری تشکیل شده‌اند که ترکیب و هماهنگی مناسب آن‌ها در کنار یکدیگر موفقیت برنامه درسی را تضمین می‌کند. در پژوهش حاضر عناصر برنامه درسی شامل این موارد بوده است:

اهداف: که به معنی رسیدن به روشی است برای دگرگون ساختن موقعیت موجود و به عقیده دیویی،



نظری نشان می‌دهند که برنامه‌های درسی موجود در مدرسه‌های ما، به رغم تغییر و تحولاتی که در چند سال اخیر در آن‌ها رخ داده، باز هم نتوانسته است آن‌چنان که باید و شاید به سمت کارآفرینی و اشتغال‌محوری سوق داده شود. این در حالی است که با توجه به تغییر و تحولات پیرامونی، خط‌مشی و سیاست‌های جدیدی منطبق با این شرایط بر نظام آموزشی مترتب است. حال سؤال اصلی این است که: «عناصر برنامه درسی در رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش تا چه میزان در جهت کارآفرینی حرکت کرده و آیا به مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی (توفیق‌طلبی، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، اعتمادبه‌نفس، نیاز به پیشرفت، و خلاقیت و نوآوری) در عناصر برنامه درسی توجه کافی شده است؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، پس از کنکاش در مطالعات تجربی صورت گرفته به سراغ افراد درگیر در این قضیه، یعنی هنرجویان و هنرآموزان رفتیم که قطعاً نظرات آن‌ها می‌تواند در برخی از جهات زوایای مسئله را به خوبی نمایان و روشن کند. از سوی دیگر، انتظار می‌رود نتایج حاصل از این تحقیق بتواند ضعف‌ها و کاستی‌های احتمالی در برنامه‌های درسی را به برنامه‌ریزان و مجریان گوشزد کند تا در برنامه‌ریزی‌های آتی بتوانند به‌طور دقیق و با اطمینان بیشتری به اتخاذ تصمیم بپردازند.

هدف مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر است [شعبانی، ۱۳۸۶].

محتوا: منظور از محتوای برنامه درسی حقایق خاص، عقاید، اصول، اطلاعات، قوانین و مانند آن است که در درس‌ها گنجانیده می‌شوند. محتوای برنامه درسی می‌تواند هم به صورت شفاهی باشد و هم به صورت مکتوب [فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۰]. در اینجا منظور از محتوای برنامه درسی همان محتوای مکتوب است که به صورت متن درسی تدوین می‌شود.

مواد آموزشی: مواد آموزشی ابزارهای هستند برای ارائه آموزش به فراگیرنده و طبیعتاً جزئی از فرایند آموزشی محسوب می‌شوند، نه تمام آن [فردانش، ۱۳۸۲].

روش تدریس: تدریس فرایندی است که عوامل زیادی در آن دخیل هستند، اما انتخاب روش تدریس بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرش‌های تعلیم‌و تربیت بستگی خواهد داشت. آن نگرش‌ها و باورها اساس انتخاب فعالیت او را در این زمینه تشکیل خواهند داد [شعبانی، ۱۳۸۶].

ارزشیابی: عبارت است از فرایندی نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات [سیف، ۱۳۷۹]. همان‌گونه که بیان شد، ترکیب و هماهنگی میان این عناصر می‌تواند تضمین‌کننده اهداف متعالی برنامه درسی باشد. نتایج تحقیقات و مطالعات

نتایج و یافته‌های پژوهش	عنوان	محقق / محققان
پرورش مهارت‌های کارآفرینی یکی از الزامات برنامه درسی به شمار می‌آید و این امر زمینه تحقق رسالت نظام آموزشی را در تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد فراهم می‌کند.	بررسی تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی	کوثری و نوروززاده (۱۳۸۸)
برنامه درسی کلیدی‌ترین و مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی برای رشد و ترویج کارآفرینی به‌شمار می‌آید.	ضرورت بسترسازی آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی و تبیین عناصر برنامه درسی برای آن	استیری (۱۳۸۹)
برنامه درسی آموزشی کارآفرینی از بعد هدف و روش‌های ارزشیابی خوب عمل کرده است. همچنین اظهارات هنرآموزان در مورد روش‌های تدریس نشان از مطابقت با روش‌های پیشنهاد شده کتاب آموزش کارآفرینی دارد؛ در حالی که اظهارات هنرجویان خلاف این را نشان داده است.	بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کاردانش آموزش متوسطه	عارفی، فتحی و اجارگاه و نساج (۱۳۸۹)
آموزش رسمی یکی از مهم‌ترین راهبردهای یاددهی و یادگیری آموزش کارآفرینی است.	تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران	شریف و همکاران (۱۳۹۰)
نگرش کارآفرینانه (میل به موفقیت، تشخیص فرصت‌ها، عزت‌نفس، خلاقیت و نوآوری) در کتاب‌های درسی در سطح قابل قبولی مطرح نشده است.	توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب‌های درسی	جعفری مقدم، و فخارزاده (۱۳۹۰)
کارآفرینی باید شیوه زندگی دانش‌آموزان و نقش برنامه‌های درسی سازمان دادن و ایجاد آن باشد. اهداف آموزش باید شکوفاکننده خلاقیت و تفکر انتقادی باشند و به حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی دانش‌آموزان توجه و فرصتی برای یادگیری مادام‌العمر فراهم کنند. لازم است محتوا هم متناسب با کار عملی و زندگی واقعی و زمینه‌ساز تجربیات و یادگیری بعدی باشد که معطوف به کاربست و عمل است.	چگونگی تقویت روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه از طریق عناصر برنامه درسی از دیدگاه خبرگان آموزش کارآفرینی و برنامه درسی	عبدی‌زاده و دیگران (۱۳۹۱)
روش‌ها باید طوری باشند که دانش‌آموزان بتوانند در موقعیت‌های واقعی یادگیری را تجربه کنند و به کار گروهی و مشارکت در یادگیری علاقه‌مند باشند. در نهایت ارزشیابی باید به‌صورت فرایندی و مداوم باشد تا تحلیلگر شکست‌های خود باشند.		

* پی‌نوشت‌ها

1. Savary s Dictionnaire universel de commerce
2. Oxford English dictionary
3. Achievement need
4. Tolerance of ambiguity
5. Accepting the risk
6. Independence
7. Creativity
8. Locus of Control
9. Learning society
10. Knowledge based societie
11. Klandt
12. Vesper
13. Hill
14. Jones & English
15. Turker & Selcuk

*** منابع**

۱. آقا محمدی، جواد و عبداللہی، حسین (۱۳۹۴). «تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی». فصل‌نامه رهیافت، شماره ۵۹.
۲. احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سید محمد (۱۳۹۲). مبانی کارآفرینی. انتشارات دانشگاه تهران.
۳. استیری، عالیہ (۱۳۸۹). «ضرورت بسترسازی آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی و تبیین عناصر برنامه درسی برای آن» دانشکده علوم تربیتی دانشگاه الزهراء. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران.
۴. الوانی، سیدمهدی و همکاران (۱۳۹۰). «خطمشی‌گذاری در نظام آموزش کارآفرینی در ایران». ماه‌نامه کار و جامعه، شماره ۱۴۰.
۵. جاریانی، ابوالقاسم (۱۳۹۲). «برنامه‌ریزی درسی در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای؛ چرا و چگونه». فصل‌نامه رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای. دوره هشتم، شماره ۳.
۶. جعفری مقدم، سعید و سادات فخرزاده، آرزو (۱۳۹۰). «توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب‌های درسی». توسعه کارآفرینی. سال سوم، شماره ۱۱.
۷. جمالی زواره، بتول؛ نیلی، محمدرضا و شادفر، حوریه (۱۳۹۴). «تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای». فصل‌نامه مهارت‌آموزی. سال سوم، شماره ۱۲.
۸. حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۳). «کارآفرینی چالش‌نویین مدیریت آموزشی». مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
۹. حسینی، سیدمحمود و عزیزی، بهارک (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران». نشریه علوم کشاورزی ایران، دوره ۲، شماره ۲.
۱۰. سلجوقی، سیدمحمد (۱۳۹۱). کارآفرینی. انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
۱۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. نشر دوران، تهران.
۱۲. شاه‌حسینی، علی (۱۳۹۰). کارآفرینی. تهران: انتشارات آیز.

منوری فرد و دیگران (۱۳۹۱)	واکوی اثر مؤلفه‌های برنامه درسی بر روحیه کارآفرینی دانشجویان	عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی نقش تعیین کننده‌ای در روحیه کارآفرینی دانشجویان داشته است.
عزیزی و طاهری (۱۳۹۲)	بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران	شرکت در کلاس‌های کارآفرینی موجب افزایش قصد و تمایل به کارآفرینی شده است.
جمالی زواره، نیلی و شادفر (۱۳۹۲)	تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای	به عقیده صاحب‌نظران، کارآفرینی فرایندی قابل آموزش است و باید در برنامه درسی دانش‌آموزان به‌خصوص دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای گنجانده شود.
آقامحمدی و عبداللہی (۱۳۹۴)	تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی	آموزش نقش غیر قابل انکاری در توسعه و رشد کارآفرینی دارد و توجه به تقویت نظام آموزشی در این زمینه گامی مهم و اساسی به‌شمار می‌آید.
جونز و انگلش ^{۱۴} (۲۰۰۴)	رویکرد معاصر به آموزش کارآفرینی با استفاده از مقایسه دو گروه آموزش دیده و آموزش ندیده	روحیه کارآفرینی کسانی که آموزش دیده بودند، نسبت به آن‌هایی که آموزش ندیده بودند، بالاتر بود. همچنین، افراد شاغل در رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای نسبت به دیگران در رشته‌های نظری از روحیه کارآفرینی بالاتری برخوردار هستند.
ایساکس و همکاران (۲۰۰۷)	آموزش و تربیت کارآفرینی در مدارس آفریقای جنوبی	آن‌هایی که آموزش‌های لازم را دیده بودند، با برپایی نمایشگاه‌ها توانمندی خود را (از جمله زنان در زمینه پخت‌وپز، بافندگی، قلاب‌دوزی و مردان در زمینه مهارت‌های مکانیکی و الکترونیکی و حتی در زمینه‌های قدرت رهبری، ارتباطات و مذاکره، و ریسک‌پذیری) نشان دادند. به‌علاوه، آموزش نقشی کلیدی، اساسی و تعیین‌کننده در رشد و توسعه کارآفرینی بر عهده دارد و برنامه‌های درسی بازوان اصلی نظام آموزشی به‌شمار می‌آیند که در جهت تحقق این امر مهم می‌توانند نقش ایفا کنند.
تورکر و سلوکوک ^{۱۵} (۲۰۰۸)	عوامل تأثیرگذار بر قصد کارآفرینی دانشجویان	علاوه بر آموزش، موارد دیگری نظیر عوامل شخصیتی (ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و منبع کنترل) در قصد و هدف کارآفرینی دانشجویان مؤثر است.
پاکه‌ام و دیگران (۲۰۱۰)	تأثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه: مقایسه تطبیقی	آموزش نقش اصلی در نگرش کارآفرینانه بازی می‌کند.

ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه هنرآموزان به میزان ۸۶ درصد و برای پرسش‌نامه هنرجویان ۷۹ درصد محاسبه شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از اجرای آزمون به دو صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از جدول، درصد، واریانس و آماره تی برای مقایسه میانگین‌ها انجام گرفت.



بحث و نتیجه‌گیری

یکی از سؤالات اصلی پژوهش میزان توجه اهداف برنامه‌های درسی به مؤلفه‌های شخصی کارآفرینی از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان بود و نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از دیدگاه آنان، در اهداف برنامه‌های درسی به مؤلفه‌های شخصی کارآفرینی توجه کمی شده است. این در حالی است که اهداف برنامه‌های درسی می‌تواند با افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی به افراد کمک کند تا در رشته‌های مختلف کسب و کاری راه‌اندازی کنند و در دنیای رقابت‌جویانه بازار به کسب و کار خود ادامه دهند و نه تنها برای خود، بلکه برای دیگران هم کسب و کار پدید آورند.

همان گونه که از نتایج تحقیقات پیداست، آموزش رسمی و متون و منابع درسی تأثیر شگرفی بر توسعه و ترویج کارآفرینی دارند، چرا که اصول، مبانی و مؤلفه‌های کارآفرینی قابل آموزش و تدریس هستند.

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین نظرات هنرآموزان و هنرجویان در خصوص میزان توجه اهداف برنامه درسی به زمینه‌های شخصیتی کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین نظرات هنرآموزان و هنرجویان در خصوص میزان توجه محتوای برنامه درسی به زمینه‌های شخصیتی کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین نظرات هنرآموزان و هنرجویان در خصوص میزان توجه مواد آموزشی برنامه درسی به زمینه‌های شخصیتی کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین نظرات هنرآموزان و هنرجویان در خصوص میزان توجه روش تدریس برنامه درسی به زمینه‌های شخصیتی کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین نظرات هنرآموزان و هنرجویان در خصوص میزان توجه ارزشیابی برنامه درسی به زمینه‌های شخصیتی کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است، چرا که به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از پرسش‌نامه سنجش نظرات استفاده شده است و برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری توصیف بهتر داده‌ها، و تحلیل سؤالات، از درصد، فراوانی و غیره استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه هنرآموزان (۹۲ نفر) و هنرجویان (۷۰۳ نفر) هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار دانش شهرستان دیواندره، جمعاً ۷۹۵ نفر تشکیل دادند. حجم نمونه مطابق با جدول مورگان ۷۳ هنرآموز و ۲۴۸ نفر هنرجو برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بود تا همه اعضای جامعه آماری شانس مساوی برای حضور داشته باشند. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه محقق ساخته ۳۴ سؤالی (برای هنرآموزان و ۳۱ سؤالی برای هنرجویان) استفاده شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها با نظرخواهی از متخصصان و تنی چند از استادان مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر آن، به منظور برآورد هم‌سانی درونی گویه‌ها توسط

۱۳. شاه‌حسینی، علی و کاوسی، اسمعیل (۱۳۸۸). نوآوری و کارآفرینی. نشر آبیژ. تهران.
۱۴. شریف، سیدمصطفی و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران». فصل‌نامه توسعه کارآفرینی. سال سوم، شماره ۱۱.
۱۵. شعبانی، حسن (۱۳۸۶). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. انتشارات سمت. تهران.
۱۶. شفیق‌زاده، حمید؛ محسنی، هدی و جمشیدی، لاله (۱۳۹۰). «بسترسازی فرهنگی توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی». نشریه مهندسی فرهنگی. سال ششم، شماره ۵۷ و ۵۸.
۱۷. صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۲). سازمان‌های کارآفرین. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی. تهران.
۱۸. عارفی، محبوبه؛ فتحی واجارگاه، کوروش و نساج، سعیده (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کار دانش آموزش متوسطه». فصل‌نامه مشاوره شغلی و سازمانی. دوره دوم، شماره ۴.
۱۹. عبیدی‌زاده، حسین؛ نظری، ابوالفضل و اسدزاده، سمیه (۱۳۹۱). «چگونگی تقویت روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه از طریق عناصر برنامه درسی». دومین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور. تهران.
۲۰. عزیززی، محمد و طاهری، مرتضی (۱۳۹۲). «تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان». دو فصل‌نامه نوآوری و ارزش آفرینی. سال دوم، شماره ۴.
۲۱. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۰). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین.
۲۲. فردانش، هاشم (۱۳۸۲). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. انتشارات سمت. تهران.
۲۳. کوثری، مریم و نوروززاده، رضا (۱۳۸۸). «تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی». فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره ۱۵، شماره ۵۴.
۲۴. مدرسی، سعیده جمیله و مدرس‌سریزدی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۲). کارآفرینی. انتشارات ترمه. تهران.
۲۵. مقیمی، سیدمحمد؛ وکیلی، یوسف؛ اکبری، مرتضی (۱۳۹۲). نظریه‌های کارآفرینی. انتشارات

دانشگاه تهران.

۲۶. منوری فرد، فیض‌الله؛
موحد محمدی، حمید؛ رضوانفر،
احمد (۱۳۹۱). «واکاوی اثر
مؤلفه‌های برنامه درسی بر
روحیه کارآفرینی دانشجویان».
کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت
کسب و کارهای دانش‌بنیان.
مازندران.

27. Harkema, s.j.m. schout, h.
(2008). Incorporation student-
centered learning in innova-
tion and entrepreneurship
education. European journal
of education, Vol.43, No. 4.
pp67-75.

28. Isaacs, E and et al.
(2007). "Entrepreneurship
education and training at the
further education and trainig
level in south Africa".
south Africa journal of educa-
tion, vol.27, pp. 629-613.

29. Jones, Colin & English,
Jack. (2004). "A contemporary
approach to entrepreneurship
education". journal Education
Training, Vol. 46 Hss: 8/9, pp.
416-423.

30. Lounsbury, M. (1998).
"Collective Entrepreneurship:
the mobilization of college and
university recycling coordinators".
journal of organizational
change management, Vol. 11,
N.I, pp. 59-60.

31. Packham, G & et
al. (2010). Attitudes towards
Entrepreneurship educa-
tion: a comparative analysis.
Education Training, Vol. 52,
No. 8/9, pp. 568-586.

32. Raposo, M & do paco,
A. (2011). "Entrepreneurship
education: relationship be-
tween education and entrepre-
neurial activity". Psicothema,
Vol. 23, pp.453-457.

33. Robbins, S. (1994).
Management: four Edition.
prentice Hall Inc.

34. Turker, D & Selcuk,
S. (2008). "Which factors
affect entrepreneurial inten-
tion of university students?".
journal of european industrial
training, vol.33 No.2, pp.159-
142.

35. Yildirim, N, Bige Askun,
O. (2012). Entrepreneurship
intention of public universi-
ties in Turkey: Going Beyond
education and research?.
Procedia social and behav-
ioral sciences. Vol. 58, pp
953-963.

در حد متوسط توجه شده است. به نظر می‌رسد،
در ارزشیابی برنامه‌های درسی به رشد و پرورش
مؤلفه‌های شخصی کارآفرینی توجه می‌شود و
شیوه‌های ارزشیابی، در کنار ارزیابی تخصصی
درس‌های هر برنامه درسی، زمینه‌ای فراهم می
آورد که به رشد خلاقیت، نوآوری، تحمل ابهام و ...
به‌عنوان ویژگی‌های هر فرد کارآفرین و عاملی که
سبب بروز رفتار کارآفرینانه در افراد می‌شود، کمک
می‌کند. از جمله مواردی که می‌توان در ارزشیابی
برنامه‌های درسی به آن اشاره کرد، انجام پروژه‌هایی
است که افراد به انتخاب خود و به‌عنوان فعالیت‌های
پایانی انجام می‌دهند و در انتخاب پروژه‌ها دارای
آزادی عمل هستند که می‌تواند سبب رشد و پرورش
ویژگی‌هایی نظیر ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری،
و استقلال‌طلبی و توفیق‌طلبی در دانشجویان شود.

پیشنهادهای اجرایی

۱. با توجه به اینکه درس کارآفرینی از واحدهای
درسی شاخه کاردانش است و کارآفرینی یک مهارت
پایه و اساسی برای هنرجویان محسوب می‌شود، به
درس کارآفرینی به‌عنوان یک درس اصلی توجه
بیشتری شود و برنامه‌ریزان آموزشی و درسی به
پرورش مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصی کارآفرینی در
هنرجویان هنگام تدوین برنامه درسی توجه کنند.

۲. برای هنرآموزان و هنرجویان در زمینه اهمیت و
ضرورت کارآفرینی کارگاه‌ها، نمایشگاه‌ها و اردوهای
ترتیب داده شود و افراد موفق و کارآفرین را با توجه
به رشته تحصیلی معرفی کنند و زمینه استفاده از
تجربیات این افراد برای آن‌ها فراهم شود.

۳. با توجه به نتیجه تحقیق که نشان می‌دهد، در
اهداف برنامه‌های درسی در حد کمی به مؤلفه‌های
شخصی کارآفرینی توجه شده، شایسته است مؤلفان
و استادانی که به تهیه محتوا و یا تألیف کتاب‌های
درسی می‌پردازند، به مؤلفه‌های شخصی کارآفرینی
را مدنظر قرار دهند و هنگام اجرا نیز به آن توجه
کنند.

۴. در سند تحول بنیادین که برگرفته از نظام
اعتقادی و ارزشی ماست، از همان دوره ششم ابتدایی
با تدوین درسی به نام «کار و فناوری»، و همچنین
در بند ۲۴ گزاره ارزشی نظام تربیت رسمی: راهکار
۱/۶، ۵/۴، ۶/۵، ۲/۳، به کارآفرینی و مهارت‌آموزی
توجه ویژه شده است. جا دارد که در برنامه درسی
هم به این مهم توجه جدی شود.

اهداف برنامه‌های درسی هدایت‌کننده دانش،
مهارت و نگرش افراد یادگیرنده هستند و قصد دارند
توانایی‌های شناختی و عاطفی یادگیرنده را تغییر
دهند. از سوی دیگر، هدف از آموزش کارآفرینی
شناخت کارآفرینی، کسب مهارت‌های کارآفرینی و
پرورش مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصی کارآفرینی، از
جمله ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآوری، تحمل ابهام
و ... در افراد است. بنابراین اهداف برنامه‌های درسی
می‌تواند بستر مناسبی برای پرورش مؤلفه‌های
شخصی کارآفرینی باشد.

بررسی نتایج حاصل از این پژوهش در ارتباط
با سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه
هنرآموزان و هنرجویان، در محتوای برنامه‌های
درسی به مؤلفه‌های شخصیتی کارآفرینی توجه کمی
شده است. از آنجا که در محتوای برنامه‌های آموزش
کارآفرینی، تکنیک‌های کسب و کار و مهارت‌های
مدیریتی، ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی را شامل
می‌شوند، توجه به آن امری لازم و ضروری است.

نتایج حاصل از پژوهش در ارتباط با سؤال سوم
نشان می‌دهد که از دیدگاه هنرآموزان و هنرجویان
میزان توجه مواد آموزشی برنامه درسی به مؤلفه‌های
شخصیتی کارآفرینی در حد نامطلوبی است.
در حالی که در قالب مواد آموزشی برنامه درسی
می‌توان از نوشتن طرح کسب و کار، پخش فیلم‌های
آموزشی، برگزاری کارگاه در راستای تقویت و پرورش
ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی از جمله خلاقیت و
ریسک‌پذیری، برگزاری کارگاه مهارت‌های مدیریتی،
پرورش مهارت‌ها و توانایی کارآفرینی و رفتارهای
کارآفرینانه کمک گرفت و از این طریق ویژگی‌های
شخصیتی کارآفرینی را در هنرآموزان غنی‌تر کرد و
پرورش داد.

همچنین، از نظر هنرآموزان و هنرجویان در اجرای
روش‌های تدریس برنامه‌های درسی به مؤلفه‌های
شخصی کارآفرینی در حد کافی توجه شده است.
بنابراین می‌طلبد که این توجهات افزایش یابد، چرا
که استفاده از روش‌های تدریس مناسب با رشته‌های
تحصیلی به بهبود و پرورش مؤلفه‌های شخصیتی
کارآفرینی کمک خواهد کرد.

نتایج حاصل از پژوهش در ارتباط با سؤال
پنجم، یعنی میزان توجه به مؤلفه‌های کارآفرینی
در ارزشیابی برنامه‌های درسی، نشان می‌دهد
که از نظر هنرآموزان و هنرجویان به مؤلفه‌های
شخصیتی کارآفرینی در ارزشیابی برنامه‌های درسی